

بررسی جایگاه آسیا در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران وجیهه مهری پرگو*

تاریخ دریافت ۸۶/۱۱/۸ تاریخ پذیرش ۸۷/۵/۲۰

برقراری و توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با دیگر کشورها - البته با رعایت ملاحظات - نقش مؤثری در بهبود وضعیت هر کشور و ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی آن دارد. موقعیت سیاسی و سهم بالای آسیا در تولید ناخالص داخلی جهان و وجود کشورهایی مانند چین و هند (که به سرعت در حال رشدند) و کشور توسعه یافته‌ای چون ژاپن و ... مزیت‌های مناسبی برای برقراری ارتباط جمهوری اسلامی ایران با این کشورها محسوب می‌شوند. از طرف دیگر موقعیت سوق‌الجیشی جمهوری اسلامی ایران و وجود منابع فراوان نفت و گاز، نیروی انسانی و زمینه‌های سرمایه‌گذاری در کشور و ... مشخصه‌های مثبتی برای برقراری ارتباط سایر کشورها با ایران است. بررسی همکاری‌های صنعتی و تجاری غیرنفتی ایران و کشورهای منطقه آسیا نشان می‌دهد که روابط مناسب و قابل توجهی میان ایران و کشورهای منطقه برقرار شده و نتایج و بازخورد مثبتی برای هر یک در بر داشته است.

کلیدواژه‌ها: معیارهای آسیب‌پذیری؛^۱ تقاضای نفت؛^۲ همکاری‌های صنعتی؛^۳
همکاری‌های مالی؛^۴ همکاری‌های تجاری^۵

* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

E-mail: mehrypargoo@yahoo.com

1. vulnerability measures
2. oil demand
3. industrial co-operations
4. financial co-operations
5. commercial co-operations

مقدمه

مطالعات تاریخی مؤید آن است که روابط ایران با اروپا و امریکا قبل از انقلاب اسلامی حسنه بوده و این روابط پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اروپا به سردی و با امریکا به تیرگی گرائید. با شروع جنگ تحمیلی بر ابهامات آن افزوده شد و جهت گیری‌ها فقط برای تأمین نیازهای اقتصادی جنگ بود. پس از پایان جنگ برای بهبود روابط با کشورهای دیگر تلاش‌هایی انجام شد، اما به دلیل نبود یک استراتژی بلندمدت راهبردها همواره کوتاه‌مدت و تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و موازنه قدرت بود.

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی، در دوران دولت موسوم به اصلاحات، برای بهبود روابط خارجی خود تلاش کرد و درصدد برآمد که از فرصت‌های بین‌المللی برای ارتقای منزلت و توسعه کشور بهره گیرد. البته این تغییر مشی پیش از همه در روابط با همسایگان متجلی شد، اما تداوم آن در سایر عرصه‌های جغرافیایی و به‌ویژه در قاره آسیا فرصت‌های نوینی را برای ایران فراهم کرد. بر اساس این رهیافت برقراری روابط مناسب با کشورها در دستور کار قرار گرفت و همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه با آسیا کمتر بر اساس ملاحظات سیاسی و بیشتر با تکیه بر مقتضیات و ملاک‌های اقتصادی در مسیر جدیدی قرار گرفت و به طور قابل توجهی گسترش یافت.

انتظار می‌رود مدیریت سیاست خارجی کشور، با توجه به منافع ملی بلندمدت، سیاست‌هایی را اتخاذ نماید تا بدون وابستگی کشور به بلوک یا منطقه‌ای خاص، از امکانات بین‌المللی نهایت استفاده را کند. بدیهی است که وابستگی، حق انتخاب و سیاست‌گذاری خارجی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مسئله مهم در سیاست خارجی این است که چگونه می‌توان در راستای منافع ملی از امکانات بین‌المللی شرق و غرب استفاده کرد بدون اینکه به آنها تعهد و وابستگی ایجاد نمود.

توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مختلف، مستلزم اتخاذ سیاست اعتمادسازی و تنش‌زدایی است و بدون تحقق این سیاست، روابط اقتصادی با کشورهای مختلف ناممکن

می‌شود. این سیاست در سال‌های اخیر تا حدی گشاینده راه پریچ و خم گسترش روابط اقتصادی با کشور پیشرفته‌ای همانند ژاپن در آسیا بود و کشورهایمانند کره جنوبی، چین و هند نیز بیش از پیش به گسترش روابط با ایران علاقه‌مند شدند. اعتمادسازی و گسترش همکاری‌های اقتصادی با آسیا دیگران را برای کار اقتصادی بیشتر با ایران تحریک کرد.

روابط اقتصادی با کشورهای همسایه، کشورهای منطقه و کشورهایی که ارتباط با آنان بر امنیت ملی ایران تأثیر مستقیم‌تری دارد از اهمیت بسیاری برخوردار است. روابط گسترده اقتصادی، باعث تقویت پیوندهای دوستی، استحکام روابط دوستانه و افزایش اعتماد میان کشورها در همه موارد از جمله مسائل مرتبط با امنیت ملی می‌شود.

گسترش روابط با همه کشورها و نیز تحکیم روابط با کشورهای همسایه امری ضروری است، اما باید در برقراری رابطه با این کشورها ملاحظاتی را نیز مد نظر قرار داد. واقعیت آن است که کشورهای آسیایی، از نظر اقتصادی، با جهان صنعتی - اروپا و امریکا - روابط بسیار قوی اقتصادی دارند که هرگز نمی‌توانند این هدف استراتژیک و بلندمدت خود را تحت تأثیر منافع زودگذر اقتصادی با دیگر کشورها قرار دهند و نمی‌توان از آنها رفتاری غیر از این انتظار داشت. در واقع این امکان وجود دارد که کشورهای آسیایی به دلیل روابط گسترده اقتصادی با کشورهای اروپایی از منافع کوتاه‌مدت اقتصادی با ایران صرف نظر کنند؛ این کشورها از ظرفیت‌های خاص و محدودی برخوردارند و باید در گسترش روابط با آنها به محدودیت‌های آنان توجه و بیشتر بر سطح تعامل با آنها تکیه کرد.

برای روشن شدن موقعیت و فرصت‌های موجود و منافع بالقوه در همکاری ایران با سایر مناطق باید منافع ملی را مورد بررسی قرار داد و آسیا به طور طبیعی در خط مقدم این همکاری‌ها قرار دارد که در ذیل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱ موقعیت کنونی آسیا

۱-۱ موقعیت سیاسی و استراتژیک آسیا

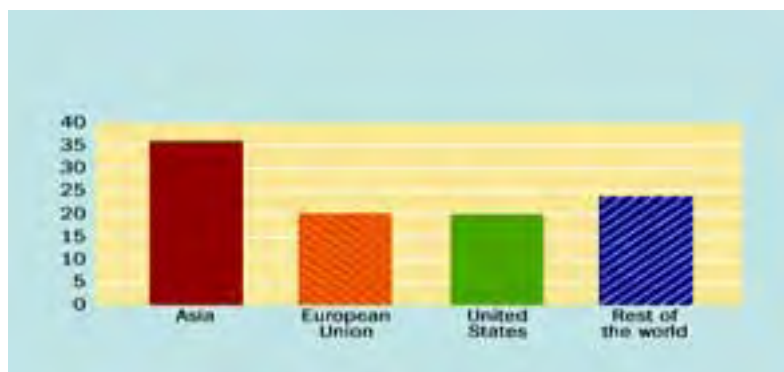
کشورهای آسیایی همواره تحت تأثیر دو عامل مهم انرژی و امنیت قرار داشته‌اند. از این رو

در آسیا، چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی در حال رشد و هند نیز در حال ظهور است. از سوی دیگر هم‌اکنون سه نهاد اقتصادی-امنیتی با عناوین مجمع همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک^۱، مجمع همکاری‌های منطقه‌ای آسه‌آن^۲ و همچنین اجلاس سران آسیا-اروپا^۳ ساختارهای به نسبت فعالی داشته و با امریکا نیز رابطه خوبی دارند. این اوضاع در عمل اتحاد امریکا با کشورهای آسیایی را عمیق‌تر و مؤثرتر می‌سازد. در چنین شرایطی همکاری‌های اقتصادی با آسیا، تحت تأثیر حضور نظامی و سیاسی امریکا قرار دارد؛ اگرچه وجود چین، هند، کره و مالزی از نظر اقتصادی موقعیت مناسبی را فراهم می‌کند، اما از نظر نظامی هنوز یک قدرت منطقه‌ای شکل نگرفته که بتواند در برابر امریکا موازنه قدرت را برقرار سازد. توسعه همه‌جانبه چین تا حدودی از قدرت منازعه امریکا کاسته است و احتمال می‌رود که با گسترش زنجیره عرضه فعالیت‌های تولیدی به وسیله شرکت‌های فراملیتی و برتری یافتن حوزه نفوذ شرکت‌ها، روابط اقتصادی در آینده بر قدرت نظامی چیره شود. با توجه به این تحولات، ایران باید همواره خود را برای بهره‌گیری از هر موقعیتی آماده سازد تا بتواند منافع ملی را بیش از پیش تأمین نماید.

۱-۲ جایگاه آسیا در اقتصاد جهانی

آسیا به بخشی کلیدی در اقتصاد جهانی تبدیل شده و شامل سه اقتصاد بزرگ دنیا شامل چین، ژاپن و هند است که ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد، سهم آسیا در تولید ناخالص داخلی دنیا از اتحادیه اروپا و امریکا بیشتر شده و این سهم در حال افزایش است. در حقیقت اقتصاد آسیا بحران مالی سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ را پشت سر گذاشته و هم‌اکنون سریع‌ترین رشد را در دنیا داراست و سهمی حدود ۵۰ درصد رشد جهان را به خود اختصاص داده است.

1. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)
2. The Asean Regional Forum (ARF)
3. The Asia-Europe Meeting (ASEM)



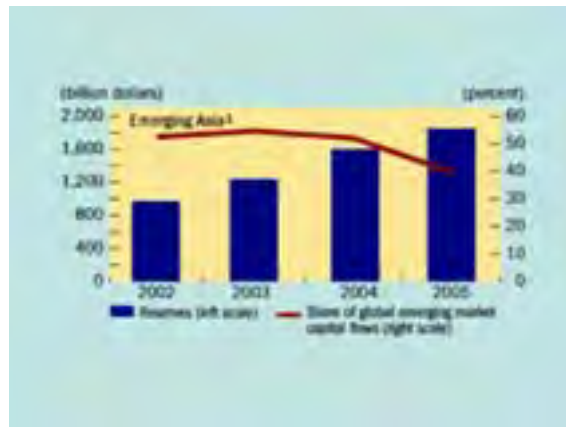
Source: <http://www.pictureasia'sroleintheworld-economy-finance-june-2006/htm>.

نمودار ۱ جایگاه آسیا در اقتصاد جهان

آسیا به طور موفقیت آمیزی با اقتصاد جهانی یکپارچه می شود و بجز یک بحران در سال ۲۰۰۱، سهم صادرات جهانی آن به صورت مستمر افزایش یافته و سالها در سطح ۲۷ درصد باقی مانده است. تجارت بین صنعتی میان کشورهای این منطقه به سرعت در حال رشد است و این کشورها همچنان در حال ورود به زنجیره عرضه جهانی تولید کالا و خدمات اند. افزایش صادرات همراه با رشد محدود تقاضای داخلی موجب مازاد حساب جاری آنها شده است؛ البته اگر آسیا را بدون چین در نظر بگیریم، وضعیت تغییر می کند. مازاد حساب جاری چین در سال ۲۰۰۵، بیش از دو برابر شده و به سطح ۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است.

آسیا همچنین با ورود به بازار سرمایه جهانی، سهمی حدود ۴۰ درصد جریان ورود سرمایه خصوصی خالص را به خود اختصاص داده است. دو سوم سهام شرکت های خصوصی به شکل سرمایه گذاری مستقیم خارجی به این منطقه وارد شده و جریان ورود سرمایه همراه با مازاد حساب جاری به افزایش میزان ذخیره ارز خارجی منجر گردیده است.

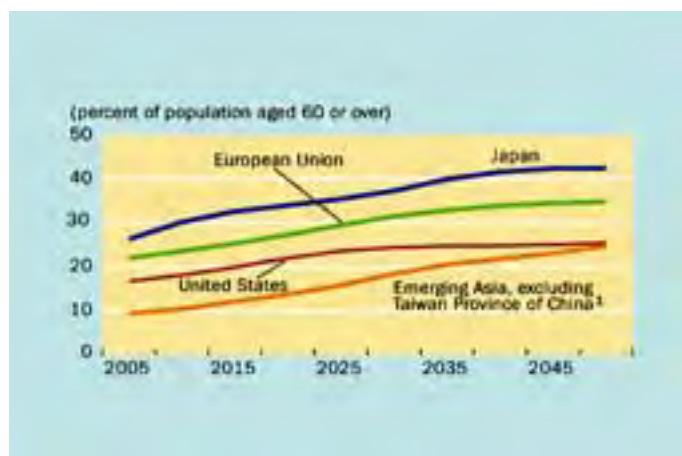
همان گونه که نمودار ۲ نشان می دهد، میزان ذخیره ارزی آسیا در طول چند سال گذشته به شدت افزایش یافته است.



Source: <http://www.picture.asia's.role.in.the.world.economy-finance.june.2006/htm>.

نمودار ۲ ذخیره ارز خارجی

انعطاف‌پذیری نرخ ارز به شکل قابل توجهی در بیشتر مناطق دنیا بجز چین، هنگ‌کنگ و مالزی افزایش یافته، در حالی که موج قوی جریان ورودی سرمایه در سال ۲۰۰۳ موجب ذخیره بسیار شده است؛ انتظار می‌رود در سال‌های آینده که آسیا سهم فزاینده و بیشتری را از اقتصاد جهانی به خود اختصاص می‌دهد — که بیشتر ناشی از دو اقتصاد هند و چین است — چالش موجود، تقویت تقاضای داخلی به وسیله بررسی سرمایه‌گذاران در آسیا و میزان مصرف در چین را به همراه داشته باشد. همچنین انتظار می‌رود که تعداد افراد مسن در آسیا در سال‌های آینده همچون سایر مناطق افزایش یابند. این مسئله به‌خصوص در کشور ژاپن صادق است؛ جایی که رشد جمعیت آن منفی شده است. پیر شدن جمعیت، موجب کاهش رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی می‌شود و بر مالیه عمومی و وضعیت بخش عمومی، همراه با افزایش هزینه‌های مستمری و بهداشتی فشار وارد می‌سازد.



Source: [http://www.picture.asia's role in the world economy-finance june 2006/htm](http://www.picture.asia's%20role%20in%20the%20world%20economy-finance%20june%202006/htm).

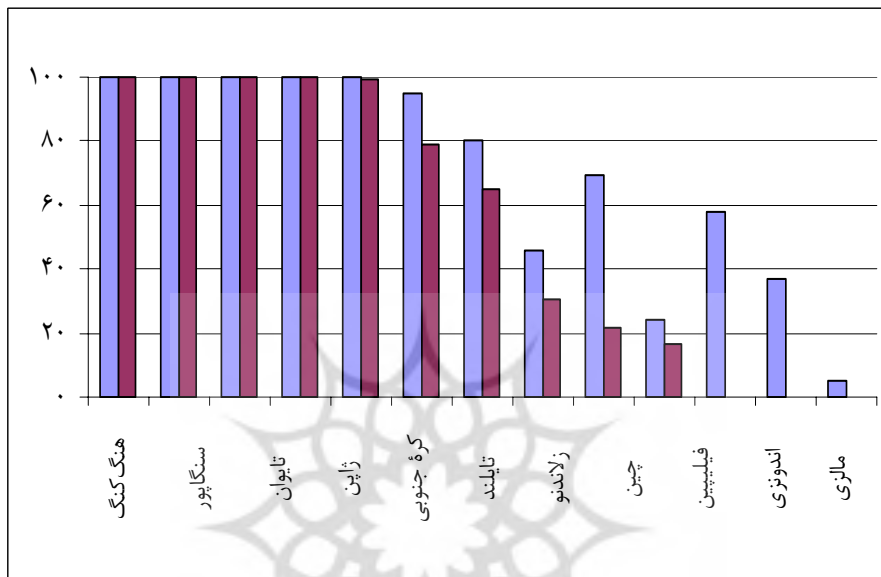
نمودار ۳ چالش مربوط به پیر شدن جمعیت

۱-۳ تقاضای انرژی در آسیا

با فرض تداوم روندهای جاری، تقاضای نفت خام در جهان، در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۱۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که تقاضای جدیدی در حد ۲۵ تا ۳۰ میلیون بشکه در روز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد سهم کشورهای در حال توسعه در تقاضای رشد یابنده به انرژی، حدود ۸۰ درصد تقاضاهای جدید در این باره است. نمودار ۴ نشان می‌دهد که به تدریج کشورهایی مانند اندونزی واردکننده نفت شده و کشورهای مهم دیگر منطقه بسیار بیشتر از گذشته به واردات نفت متکی می‌گردند.

بررسی انواع انرژی نشان می‌دهد که با وجود همه سیاست‌های توسعه‌ای درباره انرژی‌های نو و هسته‌ای، سهم این انرژی‌ها در کل انرژی مورد نیاز جهان و آسیا ناچیز است و در عمل تقاضای نفت و در درجه بعد گاز طبیعی به شدت رو به رشد است. به این ترتیب ایران به عنوان عرضه‌کننده مهم انرژی می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند. به

عبارت دیگر بهبود روابط ایران با غرب و به خصوص امریکا به دلیل حضور شرکت‌های بزرگ فراملیتی در منطقه، موقعیت استراتژیک ایران را در عرصه اقتصادی حفظ کرده و این امر در رشد و توسعه اقتصادی کشور و منطقه تأثیر بسزایی خواهد داشت.



مأخذ: محسن امین زاده، «روابط ایران و آسیا یک نیاز متقابل برای توسعه»، مجموعه مقالات همایش: سیاست و اقتصاد در شرق آسیا با تأکید بر چین و ژاپن، دانشکده علامه طباطبائی، ص ۶۴ و ۶۵.

نمودار ۴ افزایش وابستگی کشورهای آسیایی به واردات نفت تا سال ۲۰۲۰

۲ موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران

۲-۱ موقعیت سیاسی و استراتژیک

جمهوری اسلامی ایران از نظر سیاسی کشوری مستقل و بدون وابستگی به شرق و غرب است و با وجود مشکلات و بی‌ثباتی‌های ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی، همواره توانسته تمامیت ارضی خود را حفظ کند. این کشور با جمعیتی حدود ۷۰ میلیون نفر، ۱/۹ درصد

جمعیت آسیا و از نظر وسعت ۳/۷ درصد خاک این منطقه را به خود اختصاص می‌دهد (بخارایی، ۱۳۸۵).

ایران دارای منابع مهم استراتژیک و اقتصادی است و وضعیت نیروی انسانی، ظرفیت‌سازی‌های صنعتی، وجود زمینه‌های وسیع برای سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع به‌ویژه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، بهبود شاخص‌های اقتصادی، درآمد و ذخایر ارزی، اصلاح ساختار اقتصادی، بالفعل شدن برخی مزیت‌های سرزمینی و پیشرفت‌های علمی، موقعیتی را به وجود آورده که در صورت تداوم و استفاده بیشتر و بهتر از فرصت‌های به دست آمده، منافع فراوانی را متوجه این کشور می‌نماید. به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز در ایران و کسب درآمد و ارزش خارجی لازم، نه تنها امکان ارتقای سطح رفاه مردم وجود دارد، بلکه به دلیل نیاز کشورهای صنعتی به نفت ایران و نیاز ایران به تکنولوژی مدرن آنها، ظاهراً شرایط همکاری، بسیار مناسب به نظر می‌رسد و انتقال تکنولوژی و توسعه اقتصادی ایران را میسر می‌سازد؛ ضمن اینکه درآمدهای عظیم نفتی، مشکل کمبود سرمایه و ارزش خارجی را برطرف می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۹۷).

ایران می‌تواند با مدیریت درست چالش هسته‌ای، مشکلات خود را در جامعه بین‌المللی به حداقل برساند و برای توسعه کشور فرصت‌هایی را ایجاد کند، اما در صورت عدم موفقیت در مدیریت بحران با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد شد. تقابل امریکا با ایران در بلندمدت به نفع دو کشور به‌خصوص طرف امریکایی نیست (Drezner, 1999, pelletreau, 2000). به‌خصوص با توجه به موقعیت ممتاز ایران در منطقه خاور میانه، امریکا با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر همکاری می‌تواند فرصت‌های گرانمایی را برای دو طرف فراهم نماید (Mostashari, 2004).

۲-۲ مزیت‌های اقتصادی

سه مزیت اصلی اقتصاد ایران برای توسعه و مشارکت با جهان خارج عبارت‌اند از:

الف) نیروی انسانی،

ب) موقعیت استراتژیک جغرافیایی،

ج) انرژی (از نوع منابع طبیعی).

ایران در برابر این مزیت‌ها، برای توسعه به امکانات ذیل نیازمند است:

۱. تکنولوژی پیشرفته و صنعت مدرن،

۲. سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی،

۳. بازارهای بین‌المللی برای صادرات کالاهای تولیدی.

استفاده از امکانات و تأمین نیازهای توسعه‌ای کشور، مستلزم تعامل سازنده با اقتصاد جهانی است.

۲-۳ وضعیت نیروی انسانی

ایران مانند کشورهای چین و هند پرجمعیت نیست که توسعه آن به هزینه فراوانی نیاز داشته باشد و نه همانند قطر و امارات کم جمعیت است که حتی نیروی کار ساده مورد نیاز خود را از سایر کشورها وارد کند و ضمن پرداخت هزینه‌های بیشتر با مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز مواجه شود.

برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، ایران دارای نیروی انسانی آموزش‌دیده و کارآمدی است که با مدیریت بهتر، استانداردهای بالاتر و فرصت‌های شغلی جدید می‌تواند این مزیت مهم را به ظرفیت‌های توسعه‌ای نوین برای کشور تبدیل کند و موجبات تسریع در رشد و توسعه کشور را فراهم سازد.

در غرب آسیا تقریباً هیچ کشوری مانند ایران از مزیت نیروی انسانی تحصیل‌کرده متقاضی اشتغال برخوردار نیست.^۱ در ایران پروژه‌های توسعه‌ای نه تنها با کمبود نیروی انسانی

۱. هرچند متأسفانه باید بپذیریم نظام آموزش عالی کشور، نیروی انسانی تحصیل‌کرده فارغ‌التحصیل خود را به عنوان «کارجو» و نه «کارآفرین» تربیت می‌کند.

تحصیل کرده مواجه نیست؛ بلکه بخش قابل توجهی از نیروی انسانی متخصص ایران برای یافتن فرصت‌های شغلی به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی، کمبود منابع سرمایه‌ای و عوامل محدودکننده خارجی توسعه اقتصادی در ایران از جمله عوامل اصلی گرایش نیروی تحصیل کرده ایران به مهاجرت محسوب می‌شوند (نک. یوسفی، ۱۳۸۵). در صورتی که کشور از وضعیت کنونی عبور کرده و در مسیر صحیح توسعه قرار گیرد، این مزیت ایجادکننده فرصت‌های بزرگی برای کشور خواهد بود (نفت و توسعه، ۱۳۸۴-۱۳۷۶، ص ۱۳).

۲-۴ موقعیت جغرافیایی

ایران در میان پانزده کشور همسایه خود، همچون پلی میان خلیج فارس و دریای خزر، حلقه اتصال آسیا و اروپاست. در شمال و شرق ایران، حداقل هشت کشور وجود دارند که یا به طور کامل در خشکی محصورند یا تنها یک راه آبی آنها را به آب‌های آزاد متصل می‌کند. این کشورها به طور خاص و به دلایل متعددی به استفاده از مسیر ترانزیتی ایران علاقه‌مندند. به علاوه تمایل ویژه هند و روسیه برای برقراری ارتباط با یکدیگر از راه ایران به انعقاد قرارداد مهم کریدور شمال جنوب منجر شده که همکاری استراتژیکی مهمی به شمار می‌رود و علاوه بر سه کشور مؤسس آن، امروز مورد علاقه سایر کشورهای منطقه نیز قرار دارد.

تمایل ازبکستان و تاجیکستان برای داشتن مسیرهای جدید به خارج از مرزهایشان، باعث انعقاد دو سند مهم همکاری‌های ترانزیتی سه‌جانبه ازبکستان، افغانستان و ایران شده است. کریدور بزرگ آسیایی از جمله موارد دیگر فرصت‌ساز برای کشورمان محسوب می‌شود. اوضاع جدید عراق، امکان توسعه مسیرهای ترانزیتی از راه عراق را به سمت مدیترانه فراهم کرده است و راه‌های فعال ترکیه و همچنین مسیرهای بالقوه اکران و گرجستان به سمت اروپا، همه و همه ظرفیت‌های بالقوه ترانزیتی ایران محسوب می‌شوند.

به علاوه ایران با وجود توسعه راه‌های هوایی، منطقی‌ترین نقطه فرود هواپیماهایی است که از آسیا به سمت اروپا و بالعکس پرواز می‌کنند. هرچند شرایط ایران باعث شده که این فرصت در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی قرار گیرد که به فرودگاه‌های ترانزیتی پروازهای شرق و غرب تبدیل شده‌اند، اما اقتصادی‌تر بودن مسیر ایران به طور بالقوه این امکان را برای کشور ما حفظ کرده است. از این رو با بهبود شرایط سیاسی ایران، ابراز تمایل کشورهای آسیا و اقیانوسیه برای همکاری اقتصادی با ایران در این باره افزایش می‌یابد.

ویژگی‌های سرزمینی منحصربه‌فرد جمهوری اسلامی ایران نه تنها فرصت‌های بزرگ ترانزیتی را برای این کشور فراهم می‌کند؛ بلکه مهم‌تر از آن مزیت تجارت منطقه‌ای را برای ایران به ارمغان می‌آورد. اگرچه سرزمین ما در این باره با افت‌وخیزهایی مواجه بوده، اما همواره در طول تاریخ از این مزیت برخوردار بوده است. مسدود شدن مرزهای شمالی ایران به دلایل سیاسی در دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی سابق، مانع بهره‌برداری کامل از این مزیت‌ها بوده است، اما اکنون با استقرار بازارهای جدید و پرتحرک در اطراف ایران بار دیگر این مزیت به طور کامل قابلیت احیا و بهره‌برداری یافته است. اگر به تجربیات مشابه در سرزمین‌هایی مانند امارات متحده عربی و سنگاپور توجه شود، مشخص می‌گردد که ایران شرایط و موقعیت‌های به‌مراتب بهتری دارد که نه تنها می‌تواند مسیر مبادله مسافر و کالا میان شرق و غرب باشد، بلکه به عنوان پل مهم ارتباطی در مبادلات تجاری و تولیدات تکمیلی منطقه می‌تواند به شریک مهم تولیدی-صنعتی برای محصول مشترک منطقه و جهان تبدیل شود.

۳ اهمیت و وضعیت انرژی

از ویژگی‌های آغاز هزاره سوم میلادی، افزوده شدن اهمیت انرژی بر میزان پیچیدگی‌ها در روابط و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران جهانی است. بازیگران بین‌المللی، رویکرد

سیاسی- نظامی خویش را به رویکرد اقتصادی، فرهنگی و نظامی تغییر داده‌اند و مسئله جهانی شدن اقتصاد و بین‌المللی شدن فرایند تولید، توزیع و مصرف، همکاری اقتصادی را در سطح بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر کرده است. به این ترتیب قدرت‌های صنعتی در عصر دانش تلاش می‌کنند برخی از فعالیت‌های صنعتی- اقتصادی خود و یا برخی از فرایندها و مراحل تولید را به خارج از مرزها منتقل کنند تا با توجه به مزیت نسبی مناطق و کشورها، زنجیره تولید خود را در سطح بین‌المللی گسترش دهند. پیگیری این سیاست‌ها بدون استفاده از انرژی ناممکن است. از این رو برای تحرک بخشیدن به رونق اقتصادی خود به منابع انرژی نیازمندند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که منابع هیدروکربوری یا فسیلی تا سال ۲۰۵۰، همچنان به عنوان عمده‌ترین منابع انرژی باقی خواهند ماند (همان، ص ۳۸۷).

بررسی روند منابع هیدروکربوری و توزیع جغرافیایی آن نشانگر این است که تا افق ۲۰۲۵ میلادی، فقط پنج کشور منطقه خلیج فارس شامل جمهوری اسلامی ایران، عربستان، کویت، عراق و امارات، با دارا بودن ۶۵ درصد از ذخایر نفت خام شناخته شده جهان، عمده‌ترین تولیدکنندگان نفت خواهند بود. این مسئله بر پیچیدگی محیط اقتصادی انرژی در آینده خواهد افزود (همان). همچنین افزایش رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه و کشورهای بزرگی مانند چین و هند تقاضا را برای منابع اولیه انرژی افزایش خواهد داد.

پیش‌بینی مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی (Annual Energy Outlook, Energy Information Administration, 2007, P. 167) برای دوره (۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰) که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده بیانگر آن است که تقاضای جهانی نفت با رشد متوسط سالانه ۱/۳ درصد از ۸۳/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۴ به ۱۱۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۵ و به ۱۱۷/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ بالغ خواهد شد. در میان متقاضیان جهانی نفت، تقاضای چین از ۶/۵ میلیون بشکه نفت در روز در سال ۲۰۰۴ به ۱۳/۲ میلیون بشکه در

سال ۲۰۳۰ با رشد متوسط سالیانه ۳/۲ درصد بالغ خواهد شد. در همین مقطع زمانی از هند به عنوان یکی دیگر از متقاضیان بزرگ جهانی نفت می‌توان نام برد. تقاضای جهانی هند برای نفت از ۲/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۴ به ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ با رشد متوسط سالیانه ۲/۳ درصد خواهد شد. بعد از چین و هند، رشد تقاضای نفت خام در قاره آسیا، برای کشورهای خاور میانه و کشورهای آسیایی از دیگر کشورها بیشتر خواهد بود. به گونه‌ای که میزان مصرف در خاور میانه و دیگر کشورهای آسیایی به ترتیب از ۵/۷۴ و ۶/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۴ به ۷/۸۱ و ۱۰/۲۹ میلیون بشکه نفت در روز در سال ۲۰۳۰ بالغ خواهد شد (Ibid.).

بررسی میزان وابستگی و آسیب‌پذیری کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، مستلزم پیش‌بینی دقیق تقاضا برای انرژی، به‌ویژه نفت خام است. از آنجا که میزان تقاضا برای نفت خام تابع نرخ رشد اقتصادی است آخرین برآوردهای انجام شده در مورد رشد اقتصادی کشورهای اثرگذار در بازار انرژی — که به‌وسیله دبیرخانه اوپک در سال ۲۰۰۵ منتشر شده — در جدول ۱ نشان داده شده است.

چنان که در ستون آخر جدول ۱ مشاهده می‌شود، متوسط نرخ رشد ۵ درصدی کشورهای در حال توسعه در فاصله سال‌های ۲۰۳۰-۲۰۲۵، از متوسط نرخ رشد اقتصادی کشورهای در حال گذار که حدود ۳/۹ درصد در سال برآورد شده است، بیشتر بوده و دو برابر سرعت رشد اقتصادهای توسعه‌یافته خواهد بود. در اینجا برآوردها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی تا سال ۲۰۲۵ به طور متوسط ۲/۵ درصد خواهد بود (نفت و توسعه، ۱۳۸۴-۱۳۷۶، ص ۲-۳). به این ترتیب انرژی همچنان به عنوان اهرم کلیدی اقتصادی در اقتصاد جهانی نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

جدول ۱ متوسط نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی

(درصد)

سال	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۱۰	۲۰۱۰-۲۰۱۵	۲۰۱۵-۲۰۲۰	۲۰۲۰-۲۰۲۵	۲۰۲۵-۲۰۳۰	منطقه
کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی	۲/۶	۲/۶	۲/۵	۲/۴	۲/۳	۲/۵	
امریکای شمالی	۳/۵	۳/۰	۱۲/۸	۲/۷	۲/۶	۲/۹	
اروپای غربی	۱/۹	۲/۳	۲/۲	۲/۱	۲/۰	۱/۲	
پاسیفیک	۲/۲	۲/۴	۲/۲	۲/۱	۲/۰	۲/۲	
اقتصادهای رو به توسعه	۵/۶	۵/۳	۵/۱	۴/۹	۴/۵	۵/۰	
چین	۸/۰	۶/۸	۶/۴	۶/۰	۵/۵	۶/۴	
جنوب شرقی آسیا	۴/۴	۴/۳	۴/۰	۳/۶	۳/۲	۳/۹	
جنوب آسیا	۶/۲	۵/۵	۵/۵	۵/۰	۴/۶	۵/۳	
افریقا و خاور میانه	۳/۶	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۴	
امریکای لاتین	۲/۵	۳/۸	۳/۵	۳/۲	۰/۳	۳/۳	
اوپک	۳/۷	۰/۴	۳/۸	۳/۷	۳/۶	۳/۸	
دیگر صادرکنندگان نفتی رو به توسعه	۳/۸	۳/۸	۳/۷	۳/۶	۳/۵	۳/۷	
اقتصاد رو به گذار (شوروی سابق)	۵/۲	۳/۸	۳/۴	۳/۲	۳/۰	۳/۶	
اقتصادهای در حال گذار (سایر اروپا)	۴/۴	۴/۴	۳/۹	۳/۶	۳/۴	۳/۹	
جهان	۳/۹	۳/۸	۳/۷	۳/۶	۳/۴	۳/۶	

Source: Oil and Energy Outlook to 2025, OPEC Secretariat, March 2004.

کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، با دارا بودن ۶/۷ درصد ذخایر جهانی نفت خام و ۲۳/۸ درصد تولید، حدود ۵۹/۲ درصد مصرف جهانی نفت را در سال ۲۰۰۵ به خود اختصاص داده‌اند. در میان کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های

اقتصادی، بیشترین مصرف نفت خام متعلق به امریکاست (از مجموع نفت مصرفی دنیا که در سال ۲۰۰۵، برابر ۸۲/۴ میلیون بشکه در روز بوده، حدود ۲۴/۶ درصد آن در ایالات متحده مصرف شده است). همچنین این کشور با وجود تولید حدود ۷/۹ درصد نفت خام تولیدی جهان (حدود ۶/۸ میلیون بشکه در روز)، بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان در میان اعضای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است. بخش‌های مصرف‌کننده انرژی در این کشورها به نفت خام وارداتی بسیار وابسته‌اند و در صورت ادامه این روند وابستگی بیشتر خواهد شد. بنابراین در صورتی که ثبات سیاسی مناطق نفت‌خیز و کشورهای عمده صادرکننده نفت دچار تزلزل و مخاطره شود، مسئله تأمین نفت خام وارداتی، اقتصاد و امنیت ملی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد (همان، ص ۱).

جدول ۲ وضعیت ذخایر، تولید و مصرف نفت خام در سال ۲۰۰۵

ردیف	نام منطقه / کشور	ذخایر نفت خام (میلیارد بشکه)	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)	* R/P (سال)
۱	منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (سهم)	۸۰/۶۴ (۶/۷۱)	۱۹۷۶۳ (۲۳/۸۱)	۴۹۲۵۴ (۵۹/۲)	۱۱/۱۸
۲	ایالات متحده امریکا (سهم)	۲۹/۲۹ (۲/۴۳)	۶۸۳۰ (۷/۹)	۲۰۶۵۵ (۲۴/۶)	۱۱/۷۵
۳	منطقه خاور میانه (سهم)	۷۴۲/۷ (۶۱/۸۵)	۲۵۱۱۹ (۳۱/۰۱)	۵۷۳۹ (۷/۱)	۸۱
۴	کل جهان (سهم)	۱۲۰۰/۷ (۱۰۰)	۸۱۰۸۸ (۱۰۰)	۸۲۴۵۹ (۱۰۰)	۴۰/۵۶

مأخذ: سلیمان قاسمیان، «معیارهای وابستگی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به نفت خام»، گزارش دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مهر ۱۳۸۵، ص ۲ به نقل از: BP.Statistical Review, 2005
* شاخص (R/P) بیانگر نسبت ذخایر نفت خام به تولید آن و نشان‌دهنده مدت زمان بر خورداری و بهره‌برداری از ذخایر نفتی در صورت حفظ ظرفیت تولید فعلی است.

بررسی روند مصرف انرژی نشانگر آن است که با صنعتی شدن کشورها، به دلیل افزایش حجم و تنوع کالاها و خدمات تولیدی، مصرف انرژی افزایش می‌یابد. البته استفاده از تکنولوژی‌های مدرن و پربازده و همچنین بهبود کارایی در تولید و مصرف انرژی، موجب شده که در روند توسعه اقتصادی کشورها، مصرف انرژی از نرخ کاهنده‌ای برخوردار باشد (تصدیقی، ۱۳۸۳).

۳-۱ وضعیت انرژی در ایران

با توجه به اطلاعات موجود در محاسبه شدت انرژی^۱ بر مبنای نرخ ارز، ایران بعد از کشورهای شوروی سابق قرار دارد. از این رو سطح اولیه مصرف انرژی در کشور بالا بوده و حتی در مقایسه با کشورهای نفت‌خیز، انرژی بیشتری را مصرف می‌کند. اما توجه به مقادیر شدت انرژی بر اساس محاسبه تولید ناخالص داخلی، به روش برابری قدرت خرید — که فاقد برخی از اشکالات ناشی از محاسبه نرخ ارز است — ایران را از نظر مصرف انرژی به منظور تولید کالاها و خدمات در جایگاهی بهتر و حتی برتر از کشورهایی با ساختار مشابه مانند عربستان و ونزوئلا قرار می‌دهد. اما در مقایسه با متوسط جهان، هند، ترکیه و کشورهای توسعه یافته، موقعیت ایران مناسب نبوده و بر آن دلالت دارد که ایران می‌تواند در روند توسعه خود به کاهش مصرف انرژی توجه بیشتری داشته باشد (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۳، ص ۱۴ و ۱۵).

اطلاعات موجود بیانگر آن است که از اول ژانویه سال ۲۰۰۶، ایران دارای ذخیره اثبات شده‌ای به میزان ۱۳۲/۵ میلیارد بشکه نفت بوده است. این رقم که شامل اکتشافات اخیر در کوشک و حوزه‌های حسینی استان خوزستان هم می‌شود به این معناست که ایران

۱. شدت انرژی از تقسیم مصرف نهایی انرژی بر تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود و نشان می‌دهد که برای تولید مقدار معینی از کالاها و خدمات چه مقدار انرژی به کار رفته است. مصرف نهایی انرژی «برحسب میلیون بشکه معادل نفت خام» محاسبه می‌شود.

تقریباً ۱۰ درصد کل ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. بیشتر ذخایر نفت ایران در حوزه‌های مرزی جنوب غربی خوزستان نزدیک مرز عراق قرار دارند. در کل، ایران دارای ۴۰ حوزه تولیدی، ۲۷ حوزه ساحلی و ۱۳ حوزه دریایی ذخیره نفت خام است.^۱ بی‌تردید اقتصاد ایران یک اقتصاد نفتی است. درآمد نفت، بیش از ۷۰ درصد دریافتی‌های صادراتی و ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. درآمد نفت ایران در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی به ترتیب ۳۲ و ۴۵/۶ میلیارد دلار بوده است. طی سال ۲۰۰۶ میلادی ایران حدود ۴ میلیون بشکه نفت در روز تولید کرده است که ۲/۵ میلیون بشکه آن را صادر نموده و بقیه آن (۱/۵ میلیون بشکه) را در داخل مصرف کرده است (Roger Stern, 2006).

ایران هم‌اکنون با شناسایی منابع جدید نفت و گاز، بعد از عربستان، بزرگ‌ترین ذخایر نفتی و بعد از روسیه، بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را داراست. امروزه ذخایر نفتی و گازی ایران به ترتیب دارای ۱۱/۴ و ۱۵/۲ درصد ذخایر شناخته شده جهان بوده و همچنین یکی از معدود سرزمین‌هایی است که هنوز احتمال دستیابی به ذخایر مهم و جدید انرژی در آن بسیار جدی است. اهمیت این مزیت زمانی نمایان‌تر می‌شود که به محدودیت‌های جدی توسعه ذخایر انرژی قابل استخراج فعلی در جهان توجه کنیم.

بر اساس برآوردهای جهانی با افزایش ۲۸ میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۲۵، رشد تقاضای جهانی برای نفت خام، سالیانه ۱/۵ درصد خواهد بود. تقاضاهای جدید که باعث افزایش تقاضای جهانی نفت خام خواهند شد به طور عمده به کشورهای در حال توسعه مربوط می‌شود، تا آنجا که تقاضای جهانی نفت این کشورها به دو برابر افزایش خواهد یافت. سهم آسیا از این تقاضا بسیار بالاست. بی‌شک اگر این ثروت خدادادی ایران به فرصت‌های توسعه تبدیل نشود، به تنهایی ثروت سرشاری به شمار نمی‌آید.

1. Energy Information Administration "Iran Oil", Country Arolygy Brief 2006 <http://www.pnas.org/cgi/repoint/loh/1/377>

۴ همکاری‌های صنعتی ایران و آسیا

جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، همواره تحت تحریم ایالت متحده آمریکا قرار داشته است (Jentleson B. 2000, Gordon B. 2001). اولین تحریم آمریکا علیه ایران در نوامبر ۱۹۷۹ و در زمان بحران گروگانگیری، شکل گرفت و در سال ۱۹۸۷، واردات نفت به آمریکا از ایران ممنوع شد. در سال ۱۹۹۵، کلینتون، رئیس‌جمهور وقت، با صدور دستور اجرایی ۱۲۹۵۷، سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها را در بخش انرژی ایران ممنوع اعلام کرد و چند ماه بعد، با صدور دستورالعمل اجرایی ۱۲۹۵۹ در تاریخ ششم مه سال ۲۰۰۰، تقریباً هرگونه به خصوص همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری را میان ایران و آمریکا منع کرد.

با وجود این تحریم، ایران همچنان به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری فنی خود با کشورهای دیگر در زمینه انرژی ادامه داده است. کشورهایمانند فرانسه، ایتالیا و ... از این تحریم استفاده کرده و سعی در پر کردن شکاف این ارتباط نمودند. اما تهدید حمله آمریکا به ایران همواره سطح سرمایه‌گذاری خارجی را محدود کرده و تنها به ایران این اجازه را داده است تا صادرات نفت خود را در سطح تعیین شده اوپک نگه دارد.

استراتژی فعلی آمریکا، منع هرگونه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران است تا به این وسیله درآمد دولت ایران کاهش یابد و قادر به تأمین مخارج خود به خصوص نیروهای نظامی و انتظامی نباشد و نتواند تعهدات اجتماعی خود را به مردم از جمله پرداخت یارانه‌ها، حقوق و ... عملی سازد. آمریکا امیدوار است که این مشکلات، به همراه منزوی کردن ایران در سطح بین‌المللی و کاهش قیمت نفت، اقتصاد ایران را با مشکل مواجه کرده و دولت ایران را به تغییر رویه خود مجبور سازد (Hassass R, 1999). هرچند نظر به عدم شفافیت چین و روسیه در روابط خود نسبت به همراهی با دولت آمریکا، در این زمینه توفیق چندانی حاصل نشده است.

حمله به اقتصاد ایران به طور جدی در اوایل سال ۲۰۰۶ میلادی مطرح شد؛ هنگامی که آمریکا فشار فزاینده‌ای بر بانک‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی وارد کرد تا ارتباط خود را

با ایران قطع کنند. برای مثال در سپتامبر سال ۲۰۰۶، وزیر خزانه‌داری امریکا، پال‌سن،^۱ اولین جلسه رؤسای مالی کشورهای جهان را برگزار کرد و مأموریت دولت بوش را برای منزوی ساختن ایران به آنها خاطر نشان نمود.

متعاقب این امر برخی از بانک‌های ژاپنی از جمله توکیو، میتسوبیچی، بانک میرو و گروه بانکی میتسوبیچی سومیتومو اعلام کردند که به پیروی از تحریم‌های مالی امریکا، رابطه پولی و بانکی خود را با ایران قطع می‌نمایند. این فشارها بر بانک‌های هندی، سوئیسی و سوئدی نیز وارد شد. جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اهرم مالی، وابستگی اصلی خود را به دلار کاهش داده و به واحد پول مشترک اروپا (یورو) گرایش یافته است. ایران که تحت تحریم امریکا قرار دارد و از کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز و مبادلات مالی نگران است، برای دریافت کمک‌های مالی و دانش فنی به روسیه و چین روی آورده است (Roger Stern, 2006). چین که تشنه انرژی و نفت ایران بوده و از امکانات مالی مناسبی برخوردار است تلاش می‌کند تا با مشارکت در فعالیت‌های نفتی و گازی ایران، نیازهای خود را به انرژی تأمین نماید. این کشور با دارا بودن ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت و رشد سریع اقتصادی، دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت در دنیاست. اگر رشد اقتصاد در چین همچنان ادامه یابد، نیازهای انرژی چین تا سال ۲۰۲۰، ۱۵۰ درصد سطح فعلی افزایش می‌یابد.

ایران در سال ۱۳۸۴ یک قرارداد نفت و گاز به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار با چین منعقد کرد. پس از تکمیل این قرارداد، چین متعهد شد روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت و ۲۵۰ میلیون تن گاز طبیعی را به مدت ۲۵ سال از ایران خریداری کند. روسیه نیز علاقه‌مند است کارتل گازی را همانند کارتل اوپک تشکیل دهد. روسیه با این کار می‌خواهد از منابع انرژی خود در برابر اتحادیه اروپا بیشترین استفاده را بنماید. شرکت گازپروم^۲ روسیه، یک شرکت عظیم نفتی و گازی بوده و ممکن است در آینده به

1. Paulsen
2. Gasprom

یک عرضه کننده عظیم نفتی در جهان مبدل شود. روسیه قصد دارد بازار گاز جهان را انحصاری کند و تنها رقیب گازپروم در جهان، کشور ایران است که اگر روسیه قادر به ایجاد کارتل گازی شود می تواند از آن به عنوان اهرم اقتصادی مهمی در جهان استفاده نماید و بازار اروپا را بدون هیچ رقیبی در اختیار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران برای توسعه صنعتی و اقتصادی خود به صورت رسمی، به تکنولوژی و صنایع مدرن جهان نیاز دارد. محدودیت روابط ایران با امریکا، مشکلات فراوانی را برای ایران در دستیابی به فناوری های جدید ایجاد کرده است. با توجه به اینکه یافته های علمی و فناوری های جدید، مرزها را به سرعت درنوردیده و خصلت فرامرزی می یابند، بنابراین ایران برای پر کردن خلأ ناشی از محدودیت روابط خود با امریکا به کشورهای آسیایی چشم دوخته است که البته این کشورها به دلیل نزدیکی، همواره شرکای طبیعی ایران محسوب می شوند. به خصوص با توجه به رشد اقتصادی و ارتقای توانمندی کشورهایی چون ژاپن، چین، کره و هند، ایران همواره سعی کرده با گسترش روابط خود با این کشورها از توان فنی آنها بهره گیرد (امیدی، ۱۳۸۵ و شمسایی، ۱۳۸۵).

طی شش سال گذشته و بعد از یک دوره طولانی عدم حضور جدی ژاپن در صنایع ایران — که با ملی شدن صنایع کشورمان و بعد خروج این کشور از سرمایه گذاری در طرح پتروشیمی بندر امام خمینی (ره) آغاز شد — این کشور با اعطای اعتبارات مناسب و رقابت فعال در بازار ایران، مجدداً در صنایع کشورمان به ویژه در زمینه انرژی نفت و گاز و پتروشیمی فعالیت خود را آغاز کرد. آنچه مسلم است به دلیل کیفیت بالای صنعت و تکنولوژی ژاپن ورود شرکت های ژاپنی به همه حوزه های اقتصادی و صنعتی ایران فرصت های سودمندی را برای ارتقای صنایع کشور فراهم آورده است. همچنین کمک های توسعه ای ژاپن، هرچند کم و کوچک، به دلیل ایجاد ارتباط میان حوزه های مختلف تولیدی و خدماتی با فناوری های مدرن و آموزش های ژاپن، بیش از ارزش مادی آن، برای متخصصان فرصت ایجاد کرده است.

توجه ایران به آسیا موجب شده که کشورمان به بخشی از نیازهای تکنولوژی و صنعتی خود دست یابد. برای مثال حضور کره جنوبی در صنعت خودروی ایران به‌ویژه در مراحل اول فرصت ارزشمندتری برای کره جنوبی فراهم آورد؛ برای صنایع ما هم فرصت ایجاد کرده است. همچنین ورود کشورهایی مانند کره جنوبی، چین و هند به مناقصه‌های صنعتی و تولیدی ایران، باعث کاهش قیمت‌ها و در نتیجه کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگی از قبیل حمل‌ونقل، نیروگاه‌ها و صنایع نفت و گاز شده که بسیار حائز اهمیت است.

از نظر سیاسی، آسیایی‌ها به همراه برخی از کشورهای اروپایی در کاهش فشارهای تحریمی علیه ایران به طور ارزشمندی نقش داشته‌اند. در این باره کشورهایمانند مالزی، چین، کره جنوبی و ژاپن به شیوه خود مؤثر بوده‌اند.

اما پایداری روابط خارجی هنگامی بیشتر می‌شود که دو طرف در همکاری متقابل منافع بلندمدتی داشته یا به عبارت دیگر از همکاری دوجانبه نفع بلندمدتی را در نظر بگیرند. با تشدید اختلافات سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و امریکا، منافع کشورهای طرف تجاری ایران نیز تحت تأثیر این روابط قرار می‌گیرد. مسلم است که کشورهای طرف تجاری ایران به دنبال منافع خود بوده و ترجیح می‌دهند که روابط خود با امریکا را هم حفظ کنند. در نتیجه نمی‌توان روابط تجاری ایران و کشورهای آسیایی را روابطی پایدار تصور کرد و کشورمان باید دوراندیشی لازم را در این باره در نظر داشته و ضمن حفظ رابطه اقتصادی خود با آسیا، به روابط خود تنوع بخشیده و آن را گسترش دهد.

۵ همکاری‌های مالی ایران و آسیا

آسیا در مورد تأمین مالی پروژه‌های جمهوری اسلامی ایران، در یک دهه گذشته، نقش درخور توجهی را ایفا کرده است. تسهیلات اعطایی کشورهای آسیایی به ایران، باعث شده اعتبار مالی بین‌المللی کشورمان، افزایش یابد و موانع مالی توسعه آن بعد از یک

دوره پر مشکل رفع شود، اما این میزان تسهیلات برای تأمین هزینه‌های توسعه کافی نیست. ژاپنی‌ها و چینی‌ها نه تنها با ابتکارات مالی مورد درخواست ایران همراهی کردند؛ بلکه در طرح‌های زیربنایی ایران مشارکت‌های مهمی داشتند. در این باره می‌توان به طور خاص به ژاپن اشاره کرد که بعد از انقلاب اسلامی، اولین پرداخت‌کننده اعتبارات بزرگ نقدی و غیرمشروط به ایران بوده است. ژاپن در پاسخ به امتیاز مهم انعقاد قرارداد اولیه آزادگان، مبلغ سه میلیارد دلار وام غیرمشروط نقدی در برابر تضمین شرکت‌های وابسته به وزارت نفت پرداخت کرد که در عمل این میزان تا ۵/۴ میلیارد دلار افزایش یافت. تأمین این سرمایه در توسعه صنایع زیربنایی نفت و گاز و همچنین توسعه پیمانکاری عمومی کشور در این حوزه‌ها بسیار مؤثر بود. این ارقام با سایر اعتبارات پرداختی از سوی بانک‌های ژاپنی به رقم ۷/۵ میلیارد دلار بالغ می‌شد که در صورت تحقق، طرح‌های در دست اجرای دو کشور به حدود ۱۴ میلیارد دلار افزایش می‌یافت. اما تا این تاریخ، ظاهراً قرارداد نفت آزادگان میان ایران و ژاپن به نتیجه نرسیده و قرار است با شرکت‌های داخلی قرارداد بسته شود، که در این صورت قرارداد با ژاپن ظاهراً منتفی است. با وجود این، ژاپن به دلیل منافع مشترک خود با آمریکا، بعضاً حاضر به همکاری با ایران (در قراردادهای Joint Venture با خودروسازان) نبوده است (امین‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۹۰).

۶ همکاری‌های تجاری غیرنفتی ایران و آسیا

ایران برای همه تولیدکنندگان آسیایی بازار مهمی محسوب می‌شود و در عمل مهم‌ترین بازار غرب آسیاست. حتی بخشی از رونق تجاری مراکزی مانند دوبی در همسایگی ایران، مدیون صادرات مجدد کالا به بازار ایران است، تا حدی که بر اساس آمار چینی‌ها، تجارت مجدد کالاهای چینی از طریق دوبی به ایران، به حدود ۲ میلیارد دلار بالغ می‌شود (همان).^۱

۱. آسیا قبل از توسعه صنایع پتروشیمی برای صادرات غیرنفتی ایران بازار مهمی نبوده است و کالاهای سنتی ایران در کشورهایی از جمله ژاپن فرصت‌های محدودی می‌یافتند.

در سال‌های اخیر با شروع صادرات جدید پتروشیمی، حجم صادرات غیرنفتی ایران هم به شدت افزایش یافت و عملاً در حال حاضر ۹۰ درصد محصولات پتروشیمی ایران به آسیا صادر می‌شود.^۱

شاید بتوان گفت که وجه مشترک این کشورها در سیاست «نگاه به شرق»، جغرافیای شرق این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران باشد. شرق در این مفهوم جدید، از عناصر و کشورهایی تشکیل شده‌اند که اگرچه هریک از نظر اقتصادی، تجاری و مالی دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خاصی هستند؛ اما به هیچ وجه دارای ویژگی‌ها و کیفیت‌های یکسان و همگون نیستند که بتوان در سیاست‌های پراصطکاک با غرب از آن بهره برد. روابط اقتصادی و تجاری ایران با آسیای شرقی در سال‌های اخیر بسیار گسترش یافته است و ایران به نحو مطلوبی از امکانات این گروه از کشورها در حوزه تکنولوژی، بازار، فاینانس و سرمایه استفاده کرده است (همان، ص ۹۱). شاید بتوان ادعا کرد که بخش نفت در گسترش این روابط نقش برجسته‌ای داشته است. همچنان که می‌توان انتظار داشت در آینده نیز گاز، در گسترش این روابط نقش مکمل عمده‌ای ایفا کند. به یقین ظرفیت گسترش روابط در حوزه‌های تجاری، مالی و فناوری بسیار وسیع است. گفتنی است از بُعد واردات نیز ۲۵ کشور، طرف تجاری عمده ایران محسوب می‌شوند که واردات کشورمان از طریق آنها انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که در پنج سال گذشته، ۹۰ درصد واردات ایران از همین ۲۵ کشور طرف عمده تجاری و ۱۰ درصد باقی مانده، از ۱۵۰ کشور دیگر جهان انجام شده است (غلامی‌باغی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

از تعداد ۲۵ کشور طرف تجاری عمده ایران، ۱۴ کشور طرف عمده آسیایی، تأمین‌کننده کالاهای مورد نیاز وارداتی کشورمان هستند که در مجموع سهم ۱۴ کشور

۱. طبق گزارش شرکت ملی صنایع پتروشیمی، صادرات محصولات پتروشیمی کشور به مناطق مختلف جهان در سال ۱۳۸۶ به این شرح بوده است: درصد صادرات محصولات پتروشیمی از لحاظ وزنی به مناطق: آسیای جنوب شرقی، اروپا، هند، چین، خاور دور، خاور میانه و سایر کشورها به ترتیب برابر با ۵، ۷، ۱۵، ۱۷، ۳۳، ۲۰، و ۳۰ درصد بوده است.

_____ بررسی جایگاه آسیا در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۲۲۳

مزبور بالغ بر ۴۵/۶ درصد (از ۹۰ درصد واردات از ۲۵ کشور طرف عمده تجاری) است که فهرست و سهم آنها در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳ چهارده کشور آسیایی از ۲۵ کشور طرف عمده

تأمین واردات (تجاری) ایران

ردیف	کشورهای آسیایی تأمین واردات	میزان سهم از کل واردات (درصد)
۱	امارات متحده عربی	۱۷/۲
۲	چین	۵/۸
۳	کره جنوبی	۵/۳
۴	هند	۳/۴
۵	ژاپن	۲/۷
۶	روسیه	۲/۴
۷	ترکیه	۲/۰
۸	سنگاپور	۱/۷
۹	تایلند	۱/۰
۱۰	اوکراین	۰/۹
۱۱	تایوان	۰/۸
۱۲	مالزی	۰/۸
۱۳	عربستان سعودی	۰/۸
۱۴	قزاقستان	۰/۸
	جمع	۴۵/۶

مأخذ: «بررسی واردات کشور در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۹»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

روند مذکور در تجارت خارجی ایران طی سال‌های اخیر نیز ادامه داشته است، به طوری که از بین ده شریک بزرگ وارداتی کشور در سال ۱۳۸۶ که سهم ارزش واردات آنها از کل واردات ۷۲/۰۸ درصد بوده است، ۵ کشور آسیایی امارات متحده عربی، چین،

جمهوری کره، هند و ژاپن با سهمی حدود ۴۳/۳۵ درصد سهم غالبی نسبت به ۵ کشور اروپایی داشته‌اند. در جدول ۴ فهرست بزرگ‌ترین شرکای واردات ایران در سال ۱۳۸۶ و سهم ارزش واردات آنها به همراه درصد تغییرات ارزش واردات هر یک نسبت به سال ۱۳۸۵ ارائه شده است.

جدول ۴ بزرگ‌ترین شرکای واردات ایران در سال ۱۳۸۶

رتبه سال ۸۶	نام کشور	ارزش واردات در سال ۸۶ (میلیون دلار)	درصد سهم ارزشی از کل واردات	درصد تغییرات ارزش نسبت به سال ۸۵
۱	امارات متحده عربی	۱۱۴۲۵	۲۳/۶۴	۲۲/۲
۲	آلمان	۵۲۷۱	۱۰/۹	۳/۸۳
۳	چین	۴۲۷۰	۸/۸۴	۵۵/۱۱
۴	سوئیس	۲۷۷۵	۵/۷۴	۲۱/۲۲
۵	جمهوری کره	۲۴۵۳	۵/۰۸	۲۵/۸۵
۶	انگلستان	۲۰۰۳	۴/۱۵	۳۹/۱۴
۷	فرانسه	۱۹۵۶	۴/۰۵	-۱۰/۷۶
۸	ایتالیا	۱۸۸۲	۳/۸۹	۹/۵۹
۹	هند	۱۴۷۲	۳/۰۵	۲/۲۳
۱۰	ژاپن	۱۳۲۵	۲/۷۴	۴۴/۴۶
جمع ده کشور		۳۴۸۳۲	۷۲/۰۸	۱۹/۶
مجموع سهم واردات ۵ کشور آسیایی به ایران از کل ارزش واردات کشور		۲۰۹۴۵	۴۳/۳۵	—

مأخذ: گزارش عملکرد تجارت خارجی در دولت نهم (۱۳۸۴-۱۳۸۷)، وزارت بازرگانی، سازمان توسعه و تجارت ایران، مرداد ۱۳۸۷.

از طرفی طبق گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران،^۱ عمده صادرات کشور نیز به کشورهای امارات متحده عربی، چین، عراق، هند و جمهوری کره صورت گرفته است، به طوری که در هفت ماهه اول سال ۱۳۸۷ ارزش سهم صادرات به ۵ کشور مذکور برابر با ۴۶/۰۹ درصد بوده است. تحلیل این آمار و نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ایران با کشورهای آسیایی روابط گسترده و رو به رشدی دارد.

به طور خلاصه دلایل رابطه ایران با کشورهای شرقی و تمایل آن کشورها برای همکاری با ایران را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

۱-۶ علل تمایل کشورهای شرقی برای همکاری با ایران

۱. ایران دارای منابع سرشار نفت و گاز بوده و از معدود سرزمین‌هایی است که در آن احتمال وجود منابع بیشتر انرژی قابل اکتشاف وجود دارد. با وجود این، ایران حتی با ظرفیت شناخته شده نفت و گاز فعلی نیز برای کشورهای صنعتی نیازمند واردات انرژی در آسیا شریک مهمی به شمار می‌رود.^۲ رشد تقاضای انرژی در جهان و به‌ویژه در آسیا، ضرورت سرمایه‌گذاری در توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز، عدم امکان جایگزینی انرژی‌های جدید و ... از جمله دلایل مهمی است که ایران را به شریکی استراتژیک برای این کشورها تبدیل می‌کند. ادعایی که حتی رهبران محتاط ژاپنی هم از بیان آن پروایی ندارند.

۲. ایران به عنوان کشوری کاملاً استثنایی در میان ۱۵ کشور غرب آسیا، همچون پل ارتباطی شرق و غرب و شمال و جنوب عمل می‌کند و مهم‌ترین حلقه ارتباطی منطقه خود محسوب می‌شود. بنابراین ایران کشوری پر ظرفیت برای همکاری‌های تجاری و صنعتی تولیدی با هدف‌گیری بازار منطقه است.

۱. گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه شماره ۲۲/۷۳/۲۵۳/۲۱۴۴۴۷، مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۱.
۲. ده ابرقدرت صادرات نفت در سال ۲۰۰۵، عبارت‌اند از: عربستان، روسیه، نروژ، ایران، امارات، نیجریه، کویت، ونزوئلا، الجزایر و لیبی.

۳. ایران در منطقه آسیای غربی و خاور میانه اهمیت سیاسی فراوانی دارد و همکاری با آن برای تحرک بین‌المللی در غرب آسیا بسیار کارساز و ضروری است و برای کشورهای از جمله ژاپن و چین که به تحرک بین‌المللی بیشتر علاقه‌مندند، یک ضرورت محسوب می‌شود.

۴. انگیزه دیگر تمایل شرق به ایران به این دلیل است که در چانه‌زنی و کسب امتیاز از غرب، به ایران به عنوان «کارت بازی در تعامل» می‌نگرند.

۲-۶ دلایل تمایل ایران به همکاری با کشورهای شرقی

۱. ایران خواهان دسترسی به بازار کشورهای شرقی است. برای مثال مبادلات ایران با چین در سال ۲۰۰۲ به حدود ۴/۵ میلیارد دلار رسید. هم‌اکنون نیز حدود ۴۰ شرکت چینی در زمینه انرژی و صنایع ساختمانی در ایران مشغول فعالیت‌اند. بنابراین بازار ایران به‌خصوص برای کشورهای هم‌چون چین — که در سال‌های اخیر جایگاه و منزلت ویژه‌ای در بازارهای جهانی به دست آورده — بیش از پیش اهمیت یافته است و هم‌اینک کل تجارت چین و هند با ایران، به ترتیب ۵/۸ و ۳/۴ درصد از تجارت خارجی این دو کشور را تشکیل می‌دهد (امین‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۹۰).
۲. موقعیت ترانزیتی ایران و احداث کریدور شمال-جنوب، برای هر سه کشور هند، روسیه و البته ایران، اهمیت خاصی دارد. چنان‌که می‌دانیم روسیه در سال ۲۰۰۱، حدود ۷۰۰۰ میلیون دلار کالا از این کریدور انتقال داده و هم‌اکنون به دلیل ظرفیت این مسیر، مذاکراتی برای افزایش بهره‌گیری از آن جریان دارد.
۳. موضوع انرژی نیز از مباحثی است که اهمیت ایران را برای کشورهایمانند چین و هند، با توجه به رشد جهش اقتصادی آنها، دوچندان کرده است.
۴. دلیل اصلی رویکرد ایران به شرق، در دست داشتن یک گزینه و راه ثانوی در دیپلماسی است. در واقع در تمام سال‌های پس از انقلاب، یکی از انگیزه‌های ایران برای نزدیک شدن به شرق، مقابله با محدودیت غرب بوده است.

۵. موضوع دیگر شباهت‌های نسبی ساختار حکومت ایران با حکومت‌های شرقی است که از بروز تنش در روابط ایران و این کشورها ممانعت می‌کند.

۶. چالش ایران در موضوع انرژی هسته‌ای از دیگر دلایل اصلی این رویکرد است.

به طور خلاصه، جمهوری اسلامی ایران به دلایل زیر به گسترش روابط اقتصادی با آسیا علاقه‌مند است:

۱. کشورهای آسیایی به‌ویژه چین، هند و ژاپن مهم‌ترین و بهترین بازار انرژی در آینده محسوب می‌شوند. این کشورها نه تنها به نفت و گاز بیشتر نیازمندند؛ بلکه برای تضمین آن در آینده برنامه‌ریزی‌های بلندمدت می‌کنند و در این راه به ظرفیت‌های ایران به طور جدی نیاز دارند و در شرایط مساعد سیاسی، برای سرمایه‌گذاری در نفت و گاز ایران و اعطای امتیازات اقتصادی مهم برای تضمین انرژی آینده خود، آمادگی دارند.

۲. ایران به تکنولوژی و صنعت مدرن نیازمند است و برای تأمین آن باید روابط خود را با کشورهای صنعتی جهان گسترش دهد. هرچند که کشورهای صنعتی آسیا به‌جز ژاپن، اعتباری هم‌سنگ کشورهای صنعتی اروپای غربی و امریکا ندارند، اما انعطاف بیشتر آنها برای کار با ایران، آنان را در زمره انتخاب‌های مناسب برای کشورمان قرار می‌دهد. به‌خصوص که بیشتر نیازهای تکنولوژیک در مرحله کنونی توسعه ایران در کشورهایی از جمله ژاپن، کره جنوبی، چین و هند قابل دستیابی است.

۳. همکاری صنعتی با آسیا، هزینه توسعه ایران را کاهش می‌دهد؛ چرا که اجرای بسیاری از طرح‌های صنعتی ایران، با کیفیت کم‌و‌بیش مشابه، با طرف‌های آسیایی کم‌هزینه‌تر است. در برابر این ظرفیت‌ها، مهم‌ترین مانع گسترش روابط اقتصادی کشورهای آسیایی با ایران، روابط تیره ایران و امریکاست که به دلایل ذیل مانع مهمی برای گسترش روابط ایران با این کشورها محسوب می‌شود:

۱. کشورهای آسیایی نه تنها از نظر امنیتی به حفظ روابط خود با امریکا علاقه‌مندند (همان، ص ۸۹)؛ بلکه هیچ کدام از آنها قادر به محوریت برای شکل‌دهی سازوکار مؤثر

امنیت دسته‌جمعی در منطقه نیستند و تمام سازوکارهای امنیتی، کم‌وبیش با محوریت امریکا در آسیا شکل گرفته است. همچنین منافع بلندمدت اقتصادی آنها با امریکا، تداوم سیاست‌های خارجی آنها را با این کشور رقم می‌زند.

۲. کشورهای منطقه از روابط دوستانه و همکاری‌های اقتصادی خود با امریکا بسیار نفع برده‌اند (همان). این مسئله نه تنها در مورد ژاپن، کره، تایوان و متحدان مهم امریکا در منطقه، مصداق دارد؛ بلکه توسعه اقتصادی کشورهایی چون مالزی، اندونزی، تایلند، فیلیپین، سنگاپور و ... نیز نتیجه همکاری‌های هدفمندانه امریکا در دوران جنگ سرد و همچنین همراهی آنان در مقابله با رشد کمونیسم در منطقه بوده است. اکنون نیز این کشورها به شدت به این روابط و به خصوص سرمایه، تکنولوژی و بازار امریکا متکی هستند. توسعه اقتصادی چین نیز به شدت به سرمایه، تکنولوژی و بازار تجارت امریکا نیازمند است. نیاز شدید کشورهای آسیایی به روابط مستحکم، خدشه‌ناپذیر و ریسک‌ناپذیر با امریکا، امکان همکاری این کشورها را با ایران محدود می‌کند. باید توجه داشت که کشورهای آسیایی از نظر سیاسی از کشورهای اروپایی در ارتباط خود با امریکا، آسیب‌پذیرترند. بنابراین در شرایط بحرانی، میزان اعتماد به پایداری آنان کاهش می‌یابد؛ به طوری که اگر در شرایط بحرانی به انتخاب میان ایران و امریکا مجبور شوند؛ در انتخاب امریکا تردید نخواهند کرد.

پیوندهای اقتصادی شرکت‌های آسیایی و امریکایی در تمام موارد اعم از سرمایه، تکنولوژی و بازار با امریکا بسیار بالاست. از این رو آسیب‌پذیری آنان در زمینه‌های اقتصادی از فشارهای امریکا مانند قوانین تحریم ایران، به مراتب از اروپایی‌ها سنگین‌تر و پرهزینه‌تر است.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، همواره تحت تأثیر مسائل مربوط به رابطه ایران با امریکا بوده است. ایران پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی سعی کرد روابط خود را با کشورهای مختلف به خصوص کشورهای آسیایی بهبود و گسترش

بخشیده تا به این وسیله از مشکلات مربوط به تنش میان خود و امریکا بکاهد؛ اما باید توجه داشت که به دلیل چالش هسته‌ای ایران، کشورهای آسیایی ترجیح می‌دهند ضمن همکاری با ایران، با امریکا نیز درگیر نشوند. جمهوری اسلامی ایران باید با درک صحیح از ظرفیت‌های سیاسی کشورهای آسیایی و شناخت میزان آسیب‌پذیری اقتصاد آنها و منافع بسیار قوی آنها در داشتن رابطه با کشورهای صنعتی اروپایی و امریکایی، ضمن ملاحظه روابط خود با آسیا، تلاش نماید از این شرایط برای بهبود روابط خود با کشورهای صنعتی غرب استفاده کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- امیدی، علی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)، «مقایسه فرایند همگرایی اکو و آسه آن»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۷ و ۸.
- امین زاده، محسن (۱۳۸۴)، «روابط ایران و آسیا یک نیاز متقابل برای توسعه»، مجموعه مقالات همایش: سیاست و اقتصاد در شرق آسیا با تأکید بر چین و ژاپن، دانشکده علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.
- بخارایی، احمد (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵)، «تحلیل روند بیکاری تا سال ۱۳۸۵ در ایران»، مجله فرهنگ و پژوهش، ش ۱۸۹. <http://www.fpm.ir/archive/no-189/farsi/articles/06/htm>.
- تصدیقی، بهروز (۱۳۸۳)، «تولید علم»، «توزیع دانش» و «مصرف دانایی»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش نهایی نشده ا-پ-۶۷۷.
- سیمبر، رضا (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴)، «دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه در خلیج فارس، تبدیل تهدیدها و فرصت‌ها»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۷۸.
- غلامی‌باغی، سعید (مهر ۱۳۸۵)، «گزارش بررسی واردات کشور در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۹»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قاسمیان، سلیمان (مهر ۱۳۸۵)، «معیارهای وابستگی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به نفت خام»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- گزارش سالیانه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ۱۳۸۶، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۸۷.
- گزارش عملکرد تجارت خارجی در دولت نهم (۱۳۸۷-۱۳۸۴)، وزارت بازرگانی، سازمان توسعه و تجارت ایران، مرداد ۱۳۸۷.
- گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه شماره ۲۱۴۴۴۷/۲۵۳/۲۲/۷۳، مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۱.
- گزارش‌های WTO و UNCTAD در سال ۲۰۰۳.
- نفت و توسعه (۵)، «گزارش اهم فعالیت‌های وزارت نفت»، ۱۳۷۶-۱۳۸۴.
- وزارت نیرو، معاونت امور انرژی (۱۳۸۴)، «ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۳»، دفتر برنامه‌ریزی انرژی.
- یاسری، علی (۱۳۸۴)، «نیم‌نگاهی به کارنامه اقتصادی دولت خاتمی»، مجله روند اقتصادی، ش ۱۴.

_____ بررسی جایگاه آسیا در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۲۳۱

یوسفی، محمدقلی (زمستان ۱۳۸۴)، «موانع اداری توسعه اقتصادی ایران»، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، ویژه‌نامه جامعه و اقتصاد، ش ۶.

_____ (اسفند ۱۳۸۵)، «مهاجرت نیروی کار و سرمایه از ایران»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Annual Energy Outlook, Energy Information Administration, www.eia.doe.gov, 2007.

Drezner, D (1999). *The Sanctions Paradox Structural of State Craft and International of Relations*, Cambridge, Cambridge University Press.

Energy Information Administration "Iran Oil", Country Arolygy Brief 2006 <http://www.pnas.org/cgi/repoint/loh/1/377>

Gordon, B (2001), "The Role and Influence of Interest Groups on US sanctions against Iran", in the US Congress and Iran: Twenty years After the Revolution the Middle East Institute.

Hassass, R. (1999), Statement Before the subcommittee on trade, Committee on ways and Means, US. House of Representative.

<http://www.picture Asia's Role in the world Economy-Finance june 2006/htm>.

IEA. International Energy Agency, Energy Balances of OECD Countires-2002-2003, 2005 Edition.

Jentleson, B. (2000), "Economic Sanctions and post cold war Conflict". In *International conflict Resolution after the cold war*, edited loy Stern and Daviep Druckman, Washington D.C: National Academy Press.

Mostashari, Ali (2004), *The Impact of US Sanctions on the Iranian crisis society: Consequences for Demoratization*. Iranian Studies group @Mit, June. http://isg_mit.org/project-storage/ Sanction Impact US Sanctions PdP.

Oil and Energy out look to 2025, opec secretariat march 2004.

Pelletreau, R.H. (2000), "What Directon for US. Sanctions on Iran, Gulfwire Perspective Deparment of the Parlimentary library".

Stern, Roger (2006), "The Iranian Petroleum Crisis and United States security". *Proceedings of the National Academy of sciences of the United States*".